

## سُورَةُ فَاطِرٍ ۳۵

### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنَحَةٍ مِّثْنَىٰ وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ ۚ  
يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ



واجب آمد حمد بر ربّ جهان      کافریده این زمین و آسمان  
هم ملائک چون رسل اندر شمار      بال بخشید بر دو و سه و چهار  
هر چه را خواهد ز خلقت گونه‌گون      بر مزید آرد و بنماید فزون  
بر همه چیز از کبیر و از صغیر      قادرست و هم توانا و قدیر

مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا ۖ وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ ۚ وَهُوَ  
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ



گر به مردم حق در رحمت گشاد      هیچ کس را اذن بر بستن نداد  
گر که بندد یک دری آن کارساز      هیچ کس قدرت ندارد کرده باز  
ذات یکتا، آن خداوندِ علیم      مقتدر هست و عزیز و هم حکیم

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ۚ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ  
وَالْأَرْضِ ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ فَآَنِي ۖ تُؤَفَّكُونَ



مردمان! دائم کنید یادِ خدا      زان همه نعمت که بنموده عطا  
خالقی هست غیرِ ربِّ العالمین؟      روزی بخشد از سماوات و زمین؟  
نیست ربّی و نباشد هیچ‌گاه      غیرِ ذاتِ پاکِ یکتایِ اله  
پس چگونه رو نهید در روزگار؟      سویی غیر از سوی آن پروردگار

وَإِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ ۖ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ



گر دروغگویت بخوانند این زمان      ای رسول! از جهل و کینه مردمان  
این‌چنین کردند همی در ماسبق      بر رسولانی که می‌بودند ز حق  
بازگشت هر امور اندر جهان      عاقبت باشد به ربِّ مُستَعان

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ



ایّها النَّاس! وعده‌های کردگار      هست برحق و بیاید آشکار  
پس نگردید خودفریب در زندگی      که شوید مغرور ز دنیای دنی  
تا مبادا از جهالت وز غرور      از ره یزدان پاک گردید دور

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ



بهرتان ابلیس می‌باشد عدو      پس شما نیز دشمنی آرید به او  
می‌فرستد او سپاهش را به راه      که کند اغوایتان، سازد تباه  
تا شما را جملگی در این مسیر      دوزخی سازد ز اصحابِ سَعیر

الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۖ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ



آن کسانی که شدند از کافران    بس عذاب‌های شدید هست  
سهمشان

لیک کسانی که شدند از مؤمنان    کارِ صالح نیز نمایند در جهان  
هست پاداشِ بزرگ و مرحمت    از سوی ایزد ببینند مغفرت

أَفَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا ۖ فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۚ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَاتٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ



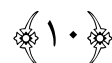
آن که او زیبا ببیند کارِ بد    نیک بیند جمله کارش، بی‌خرد  
در ضلالت افتد او از کوتاهی    هر که را خواهد دهد حق گم‌رهی  
هر که را خواهد ولیکن کردگار    بر هدایت او رساند آشکار  
پس نبی! خود را نینداز در آلم    بهرشان حسرت مخور، اندوه و غم  
هست آگه خالقِ هر دو جهان    بر همه اعمالِ جمله مردمان

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأُحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ كَذَٰلِكَ النُّشُورُ



آن خدا هست که فرستد بادهای    تا برانگیزد به هم آن ابرها  
پس برانیم هر مکانی آن سحاب    تا بریزد بر زمینِ مرده آب  
خاکِ مرده بعد از آن یابد حیات    زنده می‌گردد زمین و هم نبات  
هم بدین سان می‌شود یومِ نشور    مردگان زنده شوند آیند حضور

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا ۚ إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ ۚ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۖ وَمَكْرُ أُولَٰئِكَ هُوَ يُبَوِّرُ



هر که طالب شد به عزّت در جهان      کلّ عزّت نزد حق است جاودان  
حرفِ طیب می‌نماید بس صعود      همچنین فعلِ نکو بهر ودود  
هر که کرد تزویر، اندر کارِ خویش      سیئات و مکر و اعمالِ پریش  
سهم او اعظم عذابست در سقر      مکر او هم نیز، نمی‌بخشد اثر

وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِّنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا ۚ وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ ۚ وَمَا يُعَمِّرُ مِنْ مَّعْمَرٍ وَلَا يَنْقُصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ ۚ إِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرٌ



آفرید از خاک شما را کردگار      هم ز یک نطفه حیات شد برقرار  
بعد از آن نیز بهرتان بخشیده جفت      مرد و زن را این‌چنین ایزد بسُفت  
برندارد هیچ زن حملِ جنین      جز که داند حق تعالیٰ بالیقین  
او نبخشد طولِ عمر بهرِ کسی      یا بکاهد عمرِ هیچ کس را همی  
جز مگر آنکه همه روی حساب      از ازل گردیده ثبت اندر کتاب  
این‌چنین خلقت که می‌آرد پدید      هست آسان بهر خلاقِ مجید

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَٰذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ ۖ وَمِن كُلِّ تَاكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا ۖ وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَٰخِرَ لِّتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۚ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ



نیست دو دریا در تساوی آبِ آن      هست شیرین آبِ این یم بی‌گمان  
آن دگر آبش بود بس تلخ و شور      که بود املاح آن اندر وفور  
لاجرم از هر دو دریا لیک مدام      تغذیه آرید ز گوشت بهر طعام  
همچنین آرید به دست از هر دو آب      گوهرانی بهر زیورهای ناب  
کشتی‌ها را نیز می‌بینید به راه      بهرِ رزق و روزی از فضلِ اله  
تا مگر یابید تذکر از اساس      بر خدای مهربان آرید سپاس

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ

﴿۱۳﴾

|                              |                              |
|------------------------------|------------------------------|
| شامگاهان را کند روز، ذاتِ رب | همچنین روز را کند داخل به شب |
| هست مسخّر بهر ایزد سربه‌سر   | شمس تابان همچنین ماه و قمر   |
| هر کدام اندر مدار و مدّتی    | ره پیویند بس دقیق با مهلتی   |
| او خدایست کافریده دو جهان    | هم شما را خلق بنمود این‌چنان |
| مالکِ مطلق بود حق آشکار      | گر خدا خوانید کسی جز کردگار  |
| در تملّک او ندارد بر حسب     | حدّ پوستِ نازکی از یک رُطَب  |

إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بَشِرْكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ

﴿۱۴﴾

|                               |                            |
|-------------------------------|----------------------------|
| گر برآرید سوی بت‌هاتان ندا    | نشنوند آنها هرگز آن صدا    |
| گر که فرضاً بشنوند ایشان خطاب | مطمئنّاً هیچ نمی‌آرند جواب |
| این شریکانی که قائل گشته‌اید  | کفر ورزند بر شما روزِ وعید |
| آری هیچ کس جز خداوند جهان     | آگهی هرگز نبخشد این‌چنان   |

﴿۱۵﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

﴿۱۵﴾

|                                |                           |
|--------------------------------|---------------------------|
| ایّها الناس! این بدانید که شما | بس فقیرید در ره یکتا خدا  |
| بی‌نیازست آن خداوند مجید       | او غنی و همچنین باشد حمید |

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ

﴿۱۶﴾

گر بخواهد آن خداوند جهان می‌برد جمع شما را از میان  
جایتان نیز آورد ربّ مجید یک گروه دیگر و خلقی جدید

وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ

﴿۱۷﴾

نیست دشوار این برای کردگار صاحب عزّت بود و اقتدار

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۚ وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰٓ اٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۚ اِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِيْنَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ ۚ وَاقَامُوا الصَّلَاةَ ۚ وَ مَنْ تَزَكَّىٰ اِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ ۚ وَاِلَى اللَّهِ الْمَصِيْرُ

﴿۱۸﴾

برندارد بار کس را دیگری  
حملِ جرمی که بود وزر و وبال  
گر بود سنگین گنه یا آنکه کم  
ای رسولا! آن که اندر راه دین  
کرده برپا از صداقت او نماز  
تزکیه بنموده او نفسِ خودش  
رجعت هر چیز که باشد برقرار

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ

﴿۱۹﴾

نیست مساوی آدم کور در جهان با بصیری که ببیند بالعیان

وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّوْرُ

﴿۲۰﴾

ظلمت و تاریکی نیست اندر مثال هم‌ردیف نور که بخشاید جلال  
وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ

﴿۲۱﴾

هم نباشد بر تساوی در حساب سایه را اندر قیاس آفتاب  
وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَالْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ

﴿۲۲﴾

هم نمی‌باشد مساوی بالیقین زندگان با مردگان قبل از این  
هر که را خواهد خداوند فرید گوش جان‌ش نغمه حق بشنوید  
ای رسولا! اهل قبر چون نشنوند بهرشان نتوان بیاری هیچ پند  
إِنَّ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ

﴿۲۳﴾

تو فقط هستی در این دنیا، نذیر که دهی هشدار از این امر خطیر  
إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ

﴿۲۴﴾

ما فرستادیم تو را از روی حق تا دهی هشدار به جمع ما خلق  
هیچ نبوده ملتی اندر جهان جز فرستادیم نذیری بینشان  
وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَ بِالْكِتَابِ  
الْمُنِيرِ

﴿۲۵﴾

ای رسولاً! گر که قوم جاهلان  
این چنین کردند به دورِ ماسبق  
لیک رسولان از خدا دیدند پناه  
در کتب آمد بسی روشن دلیل  
جمله تکذیبَت کنند در این زمان  
اُمّتان بر آن رسولانِ زِ حق  
آمدند با جمله آیاتِ اله  
لیک دروغین خوانده آن، قوم ذلیل  
ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ

﴿۲۶﴾

ما مجازاتی نمودیم بس شدید  
قهرِ ما از بهرِ این جمع و گروه  
جمع آن کفار و جهّالِ پلید  
بوده سنگین و ثقیل از هر وجوه  
أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا ۚ وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ  
بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ

﴿۲۷﴾

ننگری آیا چطور ربّ جهان؟  
میوه‌ها بسیار و نوعِ گونه‌گون  
لايه‌هایی در زمین و کوهسار  
رنگ‌ها سرخ و سفید و هم سیاه  
می‌فرستد آب را از آسمان  
از دل خاک جمله می‌آید برون  
جاده و راه را نموده آشکار  
با چنین الوانی، می‌روید گیاه  
وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ ۚ كَذَلِكَ ۚ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ۚ  
إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ

﴿۲۸﴾

گونه گونه خلق بنمود از حساب  
مختلف هستند در رنگ و نشان  
آن کسی باشد مطیعِ کردگار  
آن خداوندی که می‌باشد غفور  
مردمان، جنبنندگان و هم دواب  
هم بگشتند مختلف در جنسشان  
که نصیبی دارد از علم آشکار  
صاحب عزّت بود اندر امور

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ

﴿٢٩﴾

آن کسانی که بخوانند از کتاب  
همچنین آنها که می‌خوانند نماز  
زانچه کردیم ما عطا از بهرشان  
می‌نمایند این تجارت آن‌چنان  
زانچه حق فرموده از آیات ناب  
سوی درگاهِ خدای بی‌نیاز  
می‌کنند انفاق، عیان و هم نهان  
که نمی‌بینند زوالی و زیان

لِيُوقِيَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ

﴿٣٠﴾

مزدشان را نیز خدای ذوالجلال  
هم فزاید نیز به فضل خود ثواب  
او که می‌باشد رحیم و هم غفور  
می‌کند احسان که باشد بس شکور  
وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ

﴿٣١﴾

آنچه کردیم وحی بر تو ای نبی!  
کرده تصدیق نیز کتاب‌های قدیم  
حق بود بر بندگانِ خود خبیر  
آگه و بینا و می‌باشد بصیر  
ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ

﴿٣٢﴾

حق بداد ارث، این کتابِ جاودان از برای برگزیدهٔ مردمان

گر چه برخی از ره کین و زِ ظن      بس ستم بنموده‌اند بر خویشان  
 برخی دیگر لیک از روی حساب      بر عدالت ره بپویند و صواب  
 برخی بر خیرات سبقت برده بیش      زانچه امر گردیده از یزدان خویش  
 در حقیقت راهِ خلاقِ بصیر      می‌رساند جمله بر فضل کبیر

جَنَاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا<sup>ط</sup> وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ

﴿۳۳﴾

در بهشتِ عدن آیند جاودان      زیور و دستبندشان باشد عیان  
 از طلا و لؤلؤ و از گوهران      جامه‌هایی از حریر بر دوششان  
 وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ<sup>ط</sup> إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ

﴿۳۴﴾

جمله می‌گویند، حمد است بر خدا      که نمود ما را زِ حزن و غم رها  
 حق تعالیٰ مهربان است و غفور      می‌دهد پاداش، که باشد او شکور

الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمَقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ

﴿۳۵﴾

آن خدایی که زِ فضل و از وِداد      بهر ما اندر بهشت منزل بداد  
 هم نداریم اندر اینجا رنج و غم      نیست خبر از سُستی و درد و آلم  
 وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِّنْ عَذَابِهَا<sup>ط</sup> كَذَٰلِكَ  
 نَجْزِي كُلَّ كَفُورٍ

﴿۳۶﴾

آن کسان که کافرنند بر ذاتِ حق      می‌شوند بر نارِ دوزخ مستحق

نیست پایانِ بهرِ ایشان از عذاب      هم نمیرند از فشارِ آن عِقاب  
هم نه تخفیفی رسد از مغفرت      اهلِ کفر را این چنین است عاقبت

وَهُمْ يَصْطَرِّحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۖ أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا  
يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ ۖ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ

﴿۳۷﴾

اندر آن آتش گروه کافران      ناله می آرند که ای ربّ جهان!  
ده به ما اینک خلاصی از عذاب      درگذر از ما و منما تو عِقاب  
کارِ نیکو می کنیم ما بعد از این      در صراطِ مستقیم و راه دین  
لیک آید یک خطابی آشکار      که نداشتید مهلت اندر روزگار؟  
از برایتان نیامد هیچ رسول؟      تا مگر آرد کسی پندش قبول؟  
پس کنون باید عذابِ سخت کشید      تا ابد این سان عقوبت را چشید  
که نباشد یآوری در این زمان      بر ستمکاران و جمله ظالمان

إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

﴿۳۸﴾

هست یقیناً ذاتِ ربّ العالمین      آگه از غیبِ سماوات و زمین  
او بود دانا به اسرارِ قلوب      هر چه باشد نیتِ خیر و ذنوب  
هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ ۖ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ ۖ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ  
عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا ۖ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا

﴿۳۹﴾

او که باشد ذاتِ ربّ العالمین      جانشینی داد شما را در زمین  
هر کسی کفران نمود بر آن ودود      در زیانِ مطلق است نی آنکه سود  
او نیفزاید به کفار تباه      جز مگر که خشم بیشتر از اله

کافران را کفرشان اندر جهان نیفزاید جز زبانی بس گران

قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْهُ ۚ بَلْ إِنَّ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا

﴿۴۰﴾

|                              |                              |
|------------------------------|------------------------------|
| ای رسول! تو بپرس از این خسان | که رها بنموده‌اند ربّ جهان   |
| شرک ورزید و شریک آرید چنان؟  | یک اثر آرید نشان از این بتان |
| آفریده‌اند چیزی در زمین؟     | که نشانی باشد از بهر یقین؟   |
| یا شراکت کرده‌اند با کردگار؟ | بهر چیزی زآسمان‌ها آشکار؟    |
| یا که ما مکتوب کردیم بهرشان؟ | که بود آن حجت و برهانشان؟    |
| در حقیقت عاجزست قوم ذلیل     | کآورد از بهر شرک خود دلیل    |
| برخی از این ظالمان بس شرور   | وعده بر برخی بدادند از غرور  |

﴿۵﴾ إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا ۚ وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أُمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ ۚ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

﴿۴۱﴾

|                            |                             |
|----------------------------|-----------------------------|
| حق نگه‌دارد سماوات و زمین  | تا زوالی هیچ نبینند اجمعین  |
| گر زوال از ره رسد بهر تباه | نیست نگهدارش، به جز ذات اله |
| حق تعالی هست شکبیا و صبور  | همچنین بخشاید آن ذات غفور   |

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ ۚ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا

﴿۴۲﴾

هم بخوردند بس قسم‌های گران در ره دین بر خداوند جهان

که اگر رب می‌فرستاد بهر ما یک نذیری که همی بود رهنما  
می‌شدیم تسلیم اندر راه حق بهتر از کلّ اُمم در ماسبق  
تا که آمد لیک ایشان را رسول کین بورزیدند و نمودند قبول  
این نیفزود بهر این قوم زبون هیچ مگر جز نفرتی رو بر فزون

إِسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ ۚ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ ۚ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا  
سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ ۚ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۖ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا

﴿۴۳﴾

پس نمودند سرکشی روی زمین از عناد و مکر و هم از روی کین  
بر هلاکت کس نیاید در عمل جز که مکار باشد و اهل دغل  
انتظاری پس چه داشت قوم لئیم؟ غیر آن فرجام کفار قدیم؟  
سُنّت حق بوده دائم این‌چنین نیست تغییری و تحویلی یقین

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكُنُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً  
وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ ۚ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا

﴿۴۴﴾

آیا ایشان در زمین ننموده سیر؟ تا که بینند سرگذشت‌هایی ز غیر  
سرنوشتشان چه شد اندر جهان؟ آن کسانی که برفتند از میان  
در توانایی که داشتند برتری اقتدار و قدرت افزون‌تری  
هیچ کس اندر سماوات و زمین عجز نبخشد بر خداوند بالیقین  
هست علیم آن ذات یکتای خبیر قادر مطلق بود، باشد قدیر

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ  
مُّسَمًّى ۖ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا

﴿۴۵﴾

گر بخواهد ذات پاک ذوالجلال  
هیچ جنبنده نماند در زمین  
لیک تأخیری نماید ذات حق  
آن اجل در وقت خود آید ز راه

خلق خود را او برد زیر سؤال  
فانی گردند از مجازات اجمعین  
تا اجل آید و برگردد نسق  
هست بینا بر عباد خود اله